



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



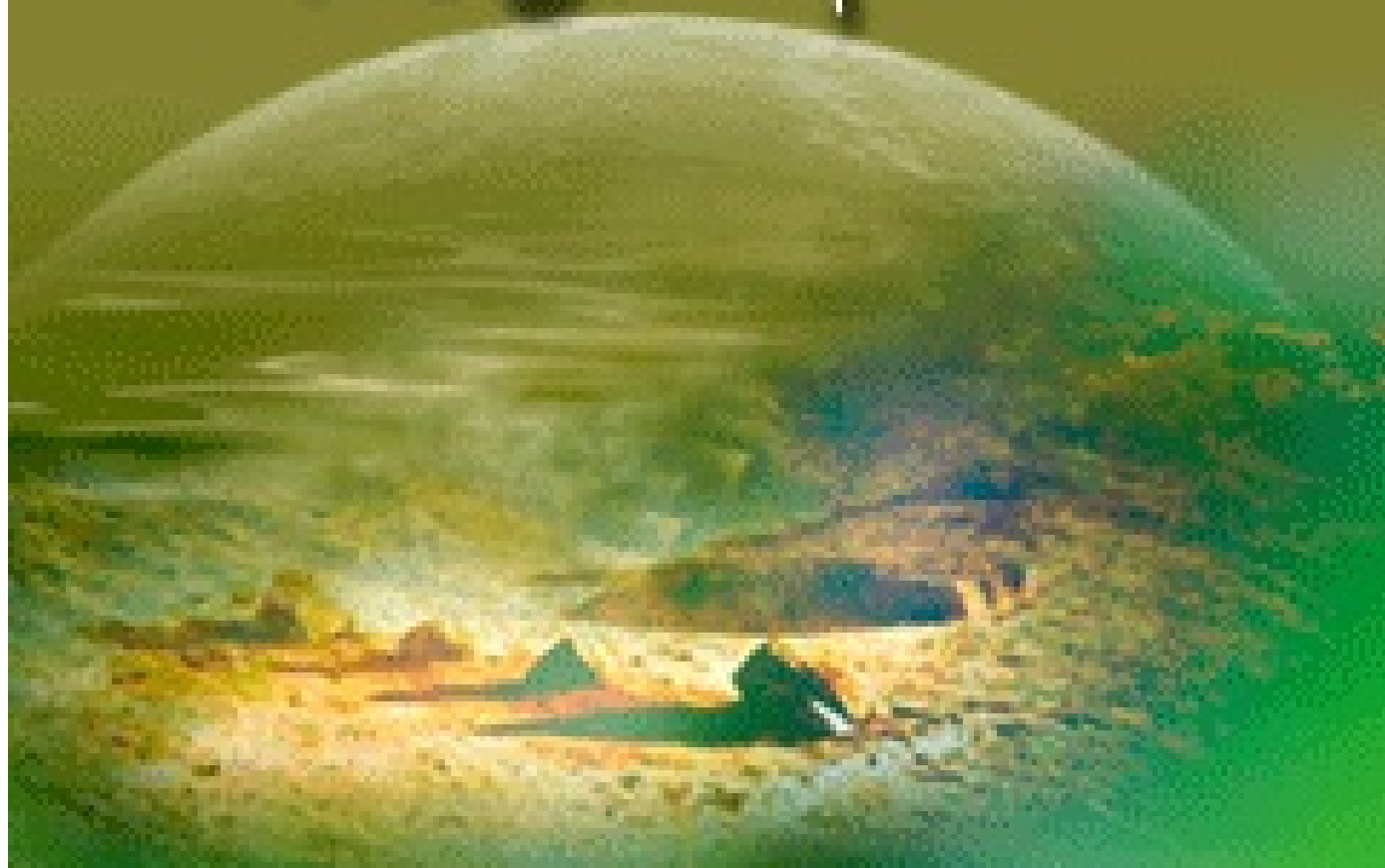
عمران
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

امامان اهل بیت علیهم السلام

در گفتار اهل سنت

امام صادق علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت (امام صادق علیه السلام)

نویسنده:

داود الهامی

ناشر چاپی:

مکتب اسلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۸ امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت (امام صادق علیه السلام)
۸ مشخصات کتاب
۸ فضائل امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام
۸ مالک بن انس (۱۷۴ - ۹۰ هـ)
۸ ابوحنیفه، نعمان بن ثابت کوفی (۱۵۰ - ۸۰ هـ)
۹ عبدالله بن المقفع (۱۴۵ - ۱۰۹ هـ)
۹ عبدالکریم بن ابی العوجاء (مقتول ۱۵۵ هـ)
۹ ابوالحارث اللیث بن سعد (۱۷۵ - ۹۴ هـ)
۱۰ عمرو بن ابی المقدام
۱۰ سفیان بن سعید الثوری (متوفی ۱۶۱ هـ)
۱۰ ابن حجر عسقلانی (۸۸۲ - ۷۳۳ هـ)
۱۰ منصور دوانیقی دومین خلیفه‌ی عباسی
۱۱ عبدالرحمن بن الجوزی (متوفی ۵۹۷ هـ)
۱۱ ابن حجر هیثمی (متوفی ۹۷۳ هـ)
۱۱ احمد بن عبدالله ابونعیم (۴۰۲ - ۳۳۴ هـ)
۱۱ عمر بن بحر، الجاحظ (متوفی ۲۵۵ هـ)
۱۱ عبدالرحمن بن محمد بن علی، بسطامی حنفی (متوفی ۸۵۸ هـ)
۱۱ کمال‌الدین محمد بن طلحه‌ی شافعی (متوفی ۶۲۵ هـ)
۱۲ احمد بن محمد ابن ابراهیم ابن خلکان (متوفی ۶۸۱ هـ)
۱۲ محمد بن احمد، ابن حبان شافعی (متوفی ۳۵۴ هـ)
۱۲ محمد بن ادريس الحنظلي (ابوحاتم الرازی) (متوفی ۲۷۷ هـ)
۱۳ عبدالله بن اسعد الیافعی (۷۵۵ - ۶۹۸ هـ)

- محمد بن ابی القاسم عبدالکریم بن احمد شهرستانی (۵۴۸ - ۴۶۷ هـ) ۱۳
- محمد بن طاهر بن علی، المقدسی (متوفی ۵۰۷ هـ) ۱۳
- عطار نیشابوری (۶۲۷ - ۵۱۳ هـ) ۱۴
- عبدالرحمن بن محمد بن خلدون (متوفی ۸۰۸ هـ) ۱۴
- فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی (م ۹۲۷) ۱۵
- حافظ حسین کربلاتی تبریزی (م ۹۹۴ هـ) ۱۶
- احمد بن یوسف القرمانی ابوالعباس (متوفی ۱۰۱۹) ۱۷
- جمال‌الدین الداوردی ۱۷
- سید امیر علی هندی ۱۷
- ابوالمظفر یوسف شمس‌الدین ۱۷
- شیخ ابو عبدالرحمن السلمی (متوفی ۴۱۲ هـ) ۱۸
- احمد حسن الباقوری ۱۸
- شهاب‌الدین محمد بن احمد الابشهی (متوفی ۸۵۰ هـ) ۱۸
- محمد أمين البغدادی السویدی (متوفی اوائل قرن سیزدهم) ۱۸
- عبدالحی بن العماد الحنبلی (متوفی ۱۰۸۹ هـ) ۱۸
- عبدالرحمن الشرقاوی ۱۹
- شیخ یوسف بن اسماعیل النبهانی (۱۳۵۰ - ۱۲۶۵) ۱۹
- شیخ محمد بن علی بن زین‌العابدین مناوی قاهری شافعی (۱۰۳۱ - ۹۵۲ هـ) ۱۹
- عبدالعزیز سید الأهل ۲۰
- احمد عبدالجواد الدومی ۲۱
- صالح بن محمد الحجازی ۲۱
- احمد بن تیمیة الحرانی (متوفی ۷۲۸ هـ) ۲۲
- یوسف بن تغری بردی بن عبدالله الظاهری الحنفی ابو المحاسن جمال‌الدین (۸۷۴ - ۸۱۳) ۲۲
- میر شمس‌الدین محمد سامی الارنبوری الرومی (متوفی ۱۳۲۲ هـ) ۲۲

- ۲۲ علی بن سلطان محمد الهروی القاری الحنفی (نورالدین) (متوفی ۱۰۱۴)
- ۲۳ خیرالدین الزرکلی
- ۲۳ سید مؤمن بن سید حسن مؤمن شبلنجی شافعی (متولد ۱۲۵۰ هـ)
- ۲۳ محمد بن عبدالباقی زرقانی (متوفای ۱۱۲۲ هـ)
- ۲۳ عبدالله شبراوی قاهری شافعی (متوفی ۱۱۷۲ هـ)
- ۲۴ محمد بن محمد بن علی، شافعی جزری (متوفی ۸۳۳ هـ)
- ۲۴ دکتر احمد امین مصری (معاصر)
- ۲۴ السید محمد صادق
- ۲۴ بطرس بن بولس البستانی مسیحی (متوفی ۱۸۸۳ یا ۱۸۸۷ میلادی)
- ۲۵ دکتر کامل مصطفی شیبی (معاصر)
- ۲۵ پاورقی
- ۲۶ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت (امام صادق علیه السلام)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت / تحقیق و نگارش داود الهامی، - ۱۳۱۶ مشخصات نشر: مکتب اسلام، ۱۳۷۷. مشخصات ظاهری: ص ۵۲۸ شابک: ۹۶۴-۹۱۵۵۰-۰-۷۱۲۵۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۹۱۵۵۰-۰-۷۱۲۵۰۰ ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: ائمه اثناعشر -- فضائل موضوع: ائمه اثناعشر - احادیث اهل سنت رده بندی کنگره: BP۳۶/۵/الف۷الف۸ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵ شماره کتابشناسی ملی: م ۷۷-۱۵۹۰۵

فضائل امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام

مالک بن انس (۱۷۴ - ۹۰ هـ)

فقیه معروف مدینه و امام مذهب مالکی از مذاهب چهار گانه‌ی اهل سنت و کتاب «الموطأ فی الفقه الأحمدی» که اساس مذهب مالکی و یکی از صحاح سته‌ی اهل سنت است، از تألیفات او است، او درباره‌ی امام صادق علیه السلام گفته است: «جعفر بن محمد اختلافت الیه زمانا فما كنت أراه الا علی احدی ثلاث خصال: اما مصل، و اما صائم و اما یقرء القرآن [۱] و ما رأت عین و لا سمعت اذن و لا خطر علی قلب بشر أفضل من جعفر بن محمد الصادق علما و عبادۀ و ورعا» [۲]. «مدتی نزد جعفر بن محمد رفت و آمد می کردم او را پیوسته در یکی از سه حالت دیدم: یا در حال نماز بود و یا در حال روزه و یا این که مشغول قرائت قرآن بود. مردی افضل و برتر از جعفر بن محمد صادق علیه السلام از نظر علم و عبادت و تقوا هرگز چشمی ندیده و گوش‌ی نشنیده و به قلبی خطور نکرده است». «كنت آتی جعفر بن محمد و كان كثير التبسم فاذا ذكر عنده النبي اخضر و اصفر و ما رأيت قط يحدث عن رسول الله صلى الله عليه و آله الا- علی طهارة [۳] و لا يتكلم فيما لا يعنيه و كان من العباد و الزهاد الذين يخشون الله» [۴]. «نزد جعفر بن محمد می آمدم او همواره تبسمی بر لب داشت هر وقت نام مبارک پیامبر نزد او برده می شد، رنگش دگرگون گاهی زرد و گاهی سبز می شد و هرگز بدون وضو حدیث از [صفحه ۳۴۴] رسول خدا نقل نمی فرمود. درباره‌ی چیزی که فائده نداشت، صحبت نمی کرد. او از عباد و زهادی بود که از خدا می ترسند». گویند وقتی «انس» احادیثی از امام صادق علیه السلام نقل می کرد، می گفت: موثق ترین و معتبرترین مردم «جعفر بن محمد علیه السلام» به من فرمود [۵].

ابوحنیفه، نعمان بن ثابت کوفی (۱۵۰ - ۸۰ هـ)

«ابوحنیفه» معروف به «امام اعظم» امام مذهب حنفی، یکی از مذاهب چهار گانه‌ی اهل سنت درباره‌ی امام صادق علیه السلام چنین می گوید: «ما رأیت أفضله من جعفر بن محمد لما اقدمه المنصور بعث الی فقال: یا اباحنیفه ان الناس قد اختلفوا بجعفر بن محمد فهیبیء له من المسائل الشداد فهیات له اربعین مسألة ثم بعث الی ابوجعفر و هو بالحیره فاتیته فدخلت علیه و جعفر بن محمد جالس عن یمینه، فلما ابصرت به دخلتني من الهیبة لجعفر بن محمد الصادق ما لم یدخلنی لأبی جعفر» [۶، ...]. «من هرگز فقیه‌تر از جعفر بن محمد ندیده‌ام. چون «منصور» خلیفه‌ی عباسی به این حدود آمد، دنبال من فرستاد و گفت: مردم به جعفر بن محمد علیه السلام علاقمند شده‌اند میل دارم برای او مسائلی که بسیار مشکل باشد، در نظر بگیری. من هم چهل مسأله از مسائل مشکل را جمع آوری کردم بعد منصور که در «حیره» بود، به دنبال من فرستاد و به نزد او رفتم. و داخل مجلس شدم دیدم جعفر بن محمد طرف راست او نشسته است و چون نظرم به او افتاد هیبت جعفر بن محمد علیه السلام بیش از منصور وجودم را فرا گرفت و سلام کردم. منصور

محلّی را به من نشان داد نشستم سپس رو به جعفر بن محمد علیه‌السلام کرد و گفت: یا ابا عبدالله این مرد «ابوحنیفه» است. [صفحه ۳۴۵] جعفر بن محمد علیه‌السلام فرمود: بلی او را می‌شناسم. سپس منصور به من گفت: ای ابوحنیفه از مسائلی که داری بر ابوعبدالله عرضه کن من یک یک آن مسائل را طرح کردم و او جواب می‌داد و می‌گفت: شما در این مسأله این طور می‌گویید و اهل مدینه این طور و ما این طور می‌گوئیم، در بعضی از مسائل ممکن است تابع شما و در بعضی دیگر نظر اهل مدینه را بپذیریم و احيانا ممکن است مخالف نظر یکی از شما و اهل مدینه یا هر دو شویم. من تمام آن چهل مسأله را طرح کردم و حتی یکی از آنها را بلا-جواب نگذارد. «ثم قال ابوحنیفه: السنا روينا أن أعلم الناس أعلمهم باختلاف الناس»؟ «سپس ابوحنیفه گفت: مگر نه آن است که هر کس به اختلاف آرای مردم آگاهتر است اعلم مردم است؟!». «ابوحنیفه» می‌گوید: «لولا السنن لهلك نعمان»: «اگر آن دو سال نبود، نعمان هلاک می‌شد». «هذا ابوحنیفه و هو من أهل السنه يفتخر و يقول بأفصح لسان لو لا السنن لهلك نعمان». «آلوسی» می‌گوید: «این امام اعظم ابوحنیفه است که افتخار می‌کند و با زبان فصیح می‌گوید: اگر آن دو سالی که در خدمت امام جعفر صادق علیه‌السلام نشستم، نبود نعمان بن ثابت - یعنی خودش - هلاک می‌شد» [۷].

عبدالله بن المقفع (۱۴۵ - ۱۰۹ هـ)

«ابن مقفع»، از مشاهیر ادبا و فصاحت با این که از شهر «مرو» از بلاد فارس بود، ولی به هر دو زبان فارسی و عربی در نهایت فصاحت و بلاغت سخن می‌راند، رسائل و منشآت وی ما بین منشیان عرب مشهور و حکم و امثال [صفحه ۳۴۶] و کلمات حکیمانه‌ای از وی مأثور است او کتابهای زیادی از پارسی به عربی ترجمه کرده و به همین دلیل از مترجمین معروف عرب به شمار می‌رود. او درباره‌ی امام صادق علیه‌السلام می‌گوید: «لا واحد من هؤلاء - مشیرا الی الذین یطوفون حول البیت - یستحق اسم انسان الی هذا الشیخ الجالس - و اشار الی الامام الصادق علیه‌السلام - اما غیره فرعاح و بهائم» [۸]. «کسی از این مردم (اشاره به مردمی که در حال طواف بودند کرد) شایسته‌ی لقب انسانیت نیست جز آن پیرمردی که نشسته است، (اشاره به امام صادق علیه‌السلام کرد)».

عبدالکریم بن ابی العوجاء (مقتول ۱۵۵ هـ)

«ابن ابی العوجاء» از زنداغه و ملاحده‌ی عرب عهد امام صادق علیه‌السلام و از شاگردان «حسن بصری» بود. درباره‌ی امام صادق علیه‌السلام می‌گوید: «ما هذا ببشر و ان كان فی الدنيا روحانی یتجسد اذا شاء و یتروح اذا شاء فهو هذا و أشار الی الصادق علیه‌السلام» [۹] این - امام صادق - بشر نیست. «اگر در دنیا کسی وجود داشته باشد که بتواند هر وقت خواست در قالب جسد و هر وقت خواست در قالب روح جلوه کند او این مرد - یعنی امام صادق علیه‌السلام - است».

ابوالحارث اللیث بن سعد (۱۷۵ - ۹۴ هـ)

امام اهل مصر بود که شافعی او را فقیه‌تر از «مالک بن انس» می‌دانست. [۱۰]. [صفحه ۳۴۷] او در رابطه با کرامات حضرت صادق علیه‌السلام چنین می‌گوید: «حججت سنه ثلاث عشره و مائة. فلما صلیت العصر رقیق اباقییس و اذا برجل جالس یدعو، فقال (یارب) حتی انقطع نفسه ثم قال: (اللهم یا حی) حتی انقطع نفسه. ثم قال: اللهم انی اشتهی العنب فأطعمینیه، اللهم و ان بردی قد خلقا فاکسنی. فوالله ما استتم کلامه حتی نظرت الی سلّه مملوءه عنباً و لیس علی الأرض یومئذ عنب و اذا بریدین موضوعین و لم أر مثلهما فی الدنيا فاتزر بأحدهما و ارتدی بالآخر. ثم أخذ البریدین اللذین کانا علیه فلقیه رجل بالمسعی فقال: أكسني یا ابن بنت رسول الله صلی الله علیه و آله مما کساک الله فدفعها الیه. فقلت للذی أعطاه البریدین من هذا قال: جعفر بن محمد علیه‌السلام» [۱۱]. در سال ۱۱۳ به حج

مشرف شدم. چون نماز عصر را خواندم بالای کوه «ابوقییس» رفتم در آنجا مردی را دیدم نشسته دعا می کند آنقدر (یارب) گفت که نفسش قطع شد سپس چندان (اللهم یا حی) گفت تا نفسش برید، سپس گفت: خدایا هوس انگور کرده‌ام به من انگور برسان خدایا لباسم کهنه شده مرا بپوشان. به خدا قسم هنوز کلامش تمام نشده بود که ظرفی پر از انگور در مقابلش دیدم در صورتی که آن موقع در روی زمین انگور نبود و دو قطعه پارچه که مثل آنها را در دنیا ندیده بودم یکی را لنگ کرد و دیگری را به شانه انداخت. سپس آن لباسی که قبلاً داشت، با خود برداشت و راهی «مسعی» شد در آنجا مردی با او ملاقات کرد و گفت: ای پسر دختر پیامبر مرا با لباسی که خداوند تو را ارزانی داشته، بپوشان آن دو پارچه را به وی داد و من از او پرسیدم این شخص کیست؟ گفت: جعفر بن محمد علیه السلام». [صفحه ۳۴۸]

عمر و بن ابی المقدام

می گوید: «كنت اذا نظرت الى جعفر بن محمد علمت انه من سلالة النبیین» [۱۲]. یعنی: هرگاه به محمد بن جعفر علیه السلام می نگریستم یقین پیدا می کردم که او از نسل پیغمبران است».

سفیان بن سعید الثوری (متوفی ۱۶۱ هـ)

به گفته‌ی «ابن خلکان» سفیان در حدیث و علوم دیگر امام و پیشوا بوده و تمامی مردم - اهل سنت - به دیانت و ورع و زهد و وثاقت وی متفق هستند [۱۳] او که از اهل کوفه و مردی صوفی و عامی بود، درباره‌ی امام صادق علیه السلام می گوید: «دخلت علی جعفر بن محمد رضی الله عنه فقال لی: یا سفیان، اذا كثرت همومک فأكثر من لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم. و اذا تدارکت علیک النعم فأكثر من الحمد لله. و اذا ابطأ عنک الرزق فأكثر من الاستغفار» [۱۴]. «به خدمت جعفر بن محمد علیه السلام شرفیاب شدم به من فرمود: ای سفیان، هنگامی که حزن و اندوه دامنگیر تو شد، (لا- حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم) را زیاد بگو و اگر نعمت زیاد برایت فراهم شد، ذکر (الحمد لله) را زیاد کن و اگر روزیت به تأخیر افتاد زیاد استغفار کن».

ابن حجر عسقلانی (۸۸۲ - ۷۳۳ هـ)

در مورد امام جعفر صادق علیه السلام می نویسد: «جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب» فقیه صدوق» [۱۵]. «جعفر بن محمد علیه السلام فقیه بسیار راستگو بود». [صفحه ۳۴۹]

منصور دوانیقی دومین خلیفه‌ی عباسی

درباره‌ی او گفت: «ان جعفر کان ممن قال الله فیه (ثم أورثنا الكتاب الذین اصطفیناه من عبادنا) و کان ممن اصطفاه الله و کان من السابقین فی الخیرات و انه لیس من أهل بیت الا- و فیهم محدث و ان جعفر بن محمد محدثنا الیوم» [۱۶]. «جعفر بن محمد (امام صادق علیه السلام) از کسانی است که خداوند درباره‌ی او فرموده: (سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده‌ی خود به میراث دادیم) او از کسانی است که خداوند او را برگزیده و در سبقت گیرندگان در امور خیر است. در هر دوره از خاندان نبوت حتماً یک محدث باید باشد و جعفر بن محمد علیه السلام محدث زمان ما است». «وقتی که با امام صحبت می کرد، می گفت: ای اباعبدالله ما همیشه از دریای علم تو توشه بر می گیریم و به سوی تو می آئیم و چون نزدیکتر می شویم از کوری و بی‌بصیرتی خارج شده و تاریکیهای ما به نور تو روشن می گردد».

عبدالرحمن بن الجوزی (متوفی ۵۹۷ هـ)

مفسر، واعظ، محدث حافظ علامه عصر، و امام وقت خود، درباره‌ی امام چنین گفته: «جعفر بن محمد بن علی بن الحسین کان مشغولاً بالعبادة عن حب الرياسة» [۱۷]. «جعفر بن محمد به دلیل اشتغال به عبادت، حب ریاست را در بوت‌های فراموشی سپرده بود». [صفحه ۳۵۰]

ابن حجر هیثمی (متوفی ۹۷۳ هـ)

مفتی حجاز و فقیه شافعی مؤلف «الصواعق المحرقة» چنین گوید: «أفضلهم و أكملهم جعفر الصادق و من ثم کان خليفته (ای الباقر) و وصیه و نقل الناس عنه من العلوم ما سارت به الركبان و انتشر صيته في جميع البلدان روى عنه الأئمة الأكابر» [۱۸]. او در صواعق می نویسد: «أفضل و أكمل فرزندان امام باقر علیه السلام جعفر صادق است و لذا جانشین و وصی او بود مردم به اندازه‌ای از وی نقل علوم کردند که در تمام نقاط دنیا منتشر شده و شهرتش سرتاسر جهان را فرا گرفت». و بزرگان ائمه‌ی مانند: «یحیی بن سعید؛ ابن جریح؛ مالک؛ سفیان ثوری؛ سفیان بن عیینة؛ ابوحنیفه؛ شعبه و ایوب سجستانی» از او روایت کرده‌اند.

احمد بن عبدالله ابونعیم (۴۰۲ – ۳۳۴ هـ)

«ابونعیم» معروف به «حافظ اصفهانی» از اکابر و اعلام محدثین و از اعظم ثقات حفاظ و مرجع استفاده‌ی بزرگان ایشان می باشد. در حلیه الأولیاء، درباره‌ی امام صادق علیه السلام می نویسد: «جعفر بن محمد الامام الناطق ذوالزام السابق ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق أقبل على العبادة و الخضوع و أثر العزلة و الخشوع و نهی عن الرئاسة و الجموع» [۱۹]. «یکی از آنها امام ناطق ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام است که به عبادت و خشوع روی آورد و عزلت و کناره‌گیری را ترجیح داده و از ریاست و اجتماع دوری گزید». [صفحه ۳۵۱]

عمر بن بحر، الجاحظ (متوفی ۲۵۵ هـ)

کنیه‌اش «ابوعثمان» لقبش «جاحظ» از مشاهیر ادبا و فصحاء و بلغا بود. درباره‌ی امام صادق علیه السلام می نویسد: «جعفر بن محمد، الذی ملأ الدنيا علمه و فقهه و یقال: طن أباحنیفة من تلامذته و كذلك سفیان الثوری، و حسبک بهما فی هذا الباب» [۲۰]. «جعفر بن محمد، آن کسی است که علم و فقهش دنیا را پر کرده است و گفته می شود که «ابوحنیفه» و همچنین «سفیان ثوری» از شاگردان او بودند و تلمذ این دو تن در اثبات عظمت علمی او کافی است».

عبدالرحمن بن محمد بن علی، بسطامی حنفی (متوفی ۸۵۸ هـ)

مؤلف کتاب «مناهج التوسل فی مباحج التوسل» می گوید: «جعفر بن محمد، ازدحم علی بابہ العلماء، و اقتبس من مشکاة انواره الأصفیاء و کان یتکلم بغوامض الأسرار و علوم الحقیقة و هو ابن سبع سنین» [۲۱]. «جعفر بن محمد کسی است که علماء و دانشمندان بر در خانه‌اش هجوم می آوردند و نخبگان و برگزیدگان از مشکاة انوارش اقتباس می نمودند، او در حالی که هفت سال بیشتر از عمرش نگذشته بود، درباره‌ی غوامض اسرار و علوم حقیقی، صحبت می کرد».

کمال‌الدین محمد بن طلحه‌ی شافعی (متوفی ۶۲۵ هـ)

از اکابر و رؤسای علمای شافعی که در فقه و اصول و حدیث و علم خلاف و ترسل و انشاء به دیگران تفوق داشته در کتاب «مطالب السؤل فی [صفحه ۳۵۲] مناقب آل الرسول» درباره‌ی امام صادق علیه السلام می نویسد: «جعفر بن محمد هو من علماء أهل البيت و ساداتهم ذو علوم جمه و عباده موفوره، و اوراد متواصله، و زهاده بینه و تلاوه کثیره یتتبع معانی القرآن و یتخرج من بحر جواهره و یتنتج عجائبه و یقسم اوقاته علی أنواع الطاعات بحیث یحاسب علیها نفسه، رؤيته تذکر بالآخره، و استماع کلامه یزهد فی الدنیا و الاقتداء بهدیه یورث الجنه، نور قسماته شاهد انه من سلالة النبوه، و طهاره أفعاله تصدع انه من ذریه الرساله، نقل عنه الحدیث و استفاد منه العلم جماعه من أعیان الأمه و أعلامهم، مثل «یحیی بن سعید الأنصاری، و ابن جریح و مالک بن انس، و الثوری، و ابن عیینه، و ایوب السجستانی و غیرهم» [۲۲]. «جعفر بن محمد از علمای اهل بیت و بزرگان آنها و دارای علوم بسیاری بود، عبادتش فراوان و اوراد و اذکار او دائم و زهد فوق العاده‌ای داشت و قرآن زیاد تلاوت فرموده و در معانی آن تتبع می نمود و از دریای عمیق کتاب الهی گوهرهای گرانبهائی استخراج می فرمود و عجائب آن را روشن می ساخت و اوقات خود را به انواع عبادت تقسیم کرده بود که به وسیله‌ی آن از نفس خود حساب می کشید قیافه‌ی او انسان را به یاد آخرت می انداخت و استماع کلامش انسان را در دنیا رو گردان می نمود. و پیروی از او موجب رفتن به بهشت می گردید و چهره‌ی نورانی او نشان می داد که او ذریه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله است، مناقب و فضائل او قابل شمارش نبود و از او روایات فراوانی نقل شده و جمع کثیری از بزرگان امت مثل «یحیی بن سعید انصاری، ابن جریح، مالک بن انس، سفیان ثوری، ابن عیینه و ایوب سجستانی» و غیر اینها از علوم او بهره‌ها بر گرفته‌اند». [صفحه ۳۵۳]

احمد بن محمد بن ابراهیم ابن خلکان (متوفی ۶۸۱ هـ)

که از مشاهیر مورخین و قضات و از علمای نامی قرن هفتم هجری، مؤلف کتاب «وفیات الأعیان» بود درباره‌ی امام صادق علیه السلام می نویسد: «ابوعبدالله جعفر بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین بن علی ابن ابیطالب (رضی الله عنهم) أجمعین، أحد الأئمة الاثنی عشر علی مذهب الامامیه و کان من سادات آل البيت و لقب بالصادق لصدقه و فضله أشهر من أن یدکر و کان تلمیذه ابوموسی جابر بن حیان الصوفی الطرطوسی قد ألف کتابا یشتمل علی ألف ورقه تتضمن رسائل جعفر الصادق و هی خمساًه رساله» [۲۳]. «او یکی از امامان دوازده گانه در مذهب امامیه و از بزرگان اهل بیت رسول خداست و از آن جهت به او صادق می گفتند که گفتارش صادق بود و فضل و بزرگواری او مشهورتر از آن است که بیان آید. «ابوموسی جابر بن حیان طرطوسی» شاگرد او بود. «جابر بن حیان» کتابی تألیف کرده است مشتمل بر هزار ورق و پانصد رساله و این رساله‌ها از تعلیمات جعفر بن محمد صادق علیه السلام بود».

محمد بن احمد، ابن حبان شافعی (متوفی ۳۵۴ هـ)

از فقهاء و محدثین اواسط قرن چهارم و مؤلف کتاب «روضه العقلاء و نزهه الفضلاء» می باشد. و درباره‌ی امام صادق علیه السلام می نویسد: «کان من سادات أهل البيت فقها و علما و فضلا یحتج بحدیثه. و قد اعتبرت حدیث الثقاؤه عنه فرأیت احادیث مستقیم لیس فیها شیء یخالف الاثبات» [۲۴]. «از سادات و بزرگان اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که فقهاء و علما و فضلا به احادیث او استناد می کنند و احادیثی را که ثقات روات از وی روایت کرده‌اند، بررسی کردم و نتیجه این شد که چیزی روایت نکرده است که با روایات صحاح مخالفت داشته باشد». [صفحه ۳۵۴]

محمد بن ادریس الحنظلی (ابوحاتم الرازی) (متوفی ۲۷۷ هـ)

«ابوحاتم رازی» از اکابر علمای اهل سنت که در طبقه‌ی «بخاری» و نظائر وی بود و در فقه و اختلاف تابعین و صحابه تألیفات زیادی دارد درباره‌ی امام صادق علیه‌السلام گفته: «جعفر الصادق ثقة لا یسأل عن مثله» [۲۵]. «جعفر صادق موثق است و وثاقت او چنان ثابت و روشن است که درباره‌ی او سؤال جایز نیست».

عبدالله بن اسعد الیافعی (۷۵۵ - ۶۹۸ هـ)

در کتاب «مرآة الجنان و عبرة یقظان» می نویسد: «الامام السید الجلیل، سلالة النبوة و معدن الفتوة، ابو عبدالله جعفر الصادق علیه‌السلام و إنما لقب بالصادق لصدقه فی مقالته و له کلام نفیس فی علوم التوحید و غیرها. و قد ألف تلمیذه «جابر بن حیان» الصوفی کتابا یشتمل علی ألف ورقة یتضمن رسائله و هی خمساً مائة رسالة.. دفن بالبقیع فی قبره أبوه محمد الباقر، و جده زین العابدین و عم جده الحسن بن علی (رضوان الله علیهم أجمعین) و أکرم بذلک القبر و ما جمع من الأشراف الکرام أولى المناقب» [۲۶]. «امام و سید بزرگوار، سلاله‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و معدن جوانمردی ابو عبدالله جعفر بن محمد صادق به علت راستی و درستی گفتارش ملقب به «صادق» شده است و سخنان گهر باری در علوم توحید و غیر آن از وی بجا مانده است و شاگرد او «جابر بن حیان» صوفی کتاب تألیف کرده است که مشتمل بر هزار ورق است و متضمن پانصد نامه از امام صادق علیه‌السلام می باشد و در [صفحه ۳۵۵] بقیع در جوار قبر پدرش و جدش زین العابدین و عموی جدش حسن بن علی دفن شده است چه قبر با برکت و شرف و چه محل پاک و مقدس که مدفن اشراف بزرگوار و صاحبان مناقب زیادی می باشند».

محمد بن ابی القاسم عبدالکریم بن احمد شهرستانی (۵۴۸ - ۴۶۷ هـ)

از مشاهیر فقها و متکلمین اشعری و مؤلف کتاب معروف «الملل و النحل» نوشته: «جعفر بن محمد الصادق هو ذو علم غزیر و أدب کامل فی الحکمة و زهد فی الدنیا و ورع تام عن الشهوات و قد أقام بالمدينة مدة یفید الشیعة المنتمین الیه و یقبض علی الموالین له اسرار العلوم، ثم دخل العراق و أقام بها مدة، ما تعرض للإمامة قط، و لا نازع فی الخلافة أحدا، و من غرق فی بحر المعرفة لم یقع فی شط و من تعلا الی ذروة الحقیقة لم یخف من خط» [۲۷]. «دانش و آگاهی او در فرهنگ و مذهب فوق‌العاده زیاد بود او اطلاعات وسیعی در پیرامون مسائل حکمت داشت و از پرهیزگاری عظیمی برخوردار بود و از شهوات و هوسرانی‌ها پرهیز داشت او مدت زیادی در مدینه اقامت گزید و به شیعه که از او پیروی می کردند، بهره‌ی زیادی رسانید و دوستانش را از سرچشمه‌ی علوم غیبی بهره‌مند ساخت پس از آن رهسپار عراق شد و مدتی در آنجا اقامت گزید و با هیچ کس در امر امامت و خلافت به نزاع بر نخاست» . آری آن کس که به بالاترین قله‌ی حقیقت رسیده باشد، بیمی از فرو افتادن ندارد. شاهین همت تو که عنقا شکار کرد کی کبک بال بسته به صید اعتبار کرد او از جانب پدر به شجره‌ی نبوت متصل بود و از جانب مادر به «ابوبکر» نسبت داشت. [صفحه ۳۵۶]

محمد بن طاهر بن علی، المقدسی (متوفی ۵۰۷ هـ)

معروف به «ابن القیسرانی» ملقب به «شمس الدین» از اکابر محدثان اوائل قرن ششم مؤلف کتاب «الجمع بین رجال الصحیحین». «جعفر بن محمد الصادق و هو ابن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب الهاشمی (رضی الله عنهم) و یکنی ابو عبدالله و امه أم فروة بنت القاسم بن محمد ابن ابی بکر الصدیق کان من سادات أهل البيت، سمع اباہ و محمد بن المکندر و عطاء ابن ابی رباح روی عنه عبدالوهاب الثقفی و حاتم بن اسماعیل، و وهیب بن خالد، و حسن بن عیاش و سلیمان بن بلال و الثوری والدار وردی و یحیی بن سعید الأنصاری و حفص بن غیاث و مالک بن انس و ابن جریح» [۲۸]. «جعفر بن محمد صادق، فرزند علی بن حسین بن علی ابن ابیطالب هاشمی (رضی الله عنهم) مکنی به «ابو عبدالله» مادرش «ام فروة» دختر «قاسم بن محمد بن ابوبکر صدیق» بود از بزرگان

اهل بیت است و از پدرش و «محمد بن مکندر و عطاء بن ابی رباح» استماع حدیث کرد و از او «عبدالوهاب ثقفی و حاتم بن اسماعیل و وهیب بن خالد و حسن بن عیاش و سلیمان بن بلال و سفیان ثوری و داروردی و یحیی بن سعید انصاری و حفص بن غیاث و مالک بن انس و ابن جریج» حدیث روایت کرده‌اند. [صفحه ۳۵۷]

عطار نیشابوری (۶۲۷ - ۵۱۳ هـ)

«محمد بن ابراهیم» ملقب به «فریدالدین» معروف به «شیخ عطار» از اکابر و مشاهیر مشایخ صوفیه است و صاحب تألیفات زیاد از جمله «تذکره الأولیاء» است. وی در آغاز کتابش با وصف حال حضرت صادق علیه السلام به آن حسن مطلع بخشیده است و در وصف آن حضرت چنین می گوید: «آن سلطان ملت مصطفوی؛ آن برهان حجت نبوی؛ آن عامل صدیق؛ آن عالم تحقیق؛ آن میوه‌ی دل اولیاء؛ آن جگر گوشه‌ی انبیا؛ آن ناقد علی؛ آن وارث نبی؛ آن عارف عاشق؛ جعفر الصادق؛ که گفته بودیم که اگر ذکر انبیاء و صحابه و اهل بیت کنیم، کتابی جداگانه باید ساخت این کتاب شرح اولیاست که بعد از ایشان بوده است و چون از اهل بیت بود و سخن طریقت، او بیشتر گفته است و روایت از وی بیشتر آمده است، کلمه‌ی چند از آن بیاوریم که ایشان همه یکی‌اند چون ذکر او کرده‌اند ذکر همه بود. نبینی قومی که مذهب او دارند، مذهب دوازده امام دارند؟ یعنی یکی دوازده است و دوازده یکی، اگر تنها صفت او گویم به زبان و عبارت من راست نیاید که در جمله علوم و اشارات و عبارات بی تکلف به کمال بود و قدوه‌ی جمله‌ی مشایخ بود و اعتماد همه بر وی بود و مقتدای مطلق بود هم الهیان را شیخ بود و هم محمدیان را امام و اهل ذوق را پیشرو، و هم اهل عشق را پیشوا و هم عباد را مقدم و هم زهاد را مکرم و هم صاحب تصنیف حقائق هم در لطائف تفسیر و اسرار تنزیل بی نظیر بود و از باقر بسیار سخن نقل کرده است. عجب دارم از آن قوم که ایشان خیال بندند که اهل سنت و جماعت را با اهل بیت چیزی در راه است که اهل سنت و جماعت اهل بیت را، باید گفت به حقیقت و من آن نمی دانم که کسی در خیال باطل مانده است آن می دانم که هر که به محمد ایمان دارد و به فرزندان او ندارد، به محمد ایمان ندارد تا به حدی که «شافعی» در دوستی اهل بیت تا به حدی بوده که به رفضش نسبت کردند و [صفحه ۳۵۸] محبوس کردند و او در آن معنی شعری گفته است و یک بیت آن این است: لو کان رفضاً حب آل محمد (صلی الله علیه و آله) فلیشهد الثقلان إنی رافض [۲۹]. «اگر دوستی آل محمد صلی الله علیه و آله رفض به شمار آید، ثقلین - انس و جن - شاهد باشند که من رافضی هستم».

عبدالرحمن بن محمد بن خلدون (متوفی ۵۸۸ هـ)

مورخ و جامعه‌شناس و فیلسوف اندلسی، مؤلف «مقدمه‌ی ابن خلدون» می گوید: «و أعلم أن کتاب الجفر کان أصله ان هارون بن سعید العجلی و هو رأس الزیدیة کان له کتاب یرویه عن جعفر الصادق علیه السلام و فیه علم ما سیقع لأهل البیت علیهم السلام و علی العموم و لبعض الأشخاص منهم علی الخصوص وقع ذلک لجعفر و نظائره من رجالاتهم علی طریق الکرامه و الکشف الذی یقع لمتلهم من الأولیاء و کان مکتوبا عنه جعفر فی جلد ثور صغیر فرواه عنه هارون العجلی و کتبه و سماه الجفر باسم الجلد...» [۳۰]. «ابن خلدون درباره‌ی کتاب جفری که به امام صادق علیه السلام نسبت داده‌اند، می گوید: هارون بن سعید عجلی که رئیس زیدیه بود، کتابی داشت که آن را از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است. در آن کتاب آنچه بر عموم اهل بیت و برخی از ایشان روی خواهد داد، نوشته شده بود. این علوم بر امام جعفر صادق علیه السلام و سایر امامان از راه کشف و کرامت که خاص ایشان است، حاصل شده است. این کتاب بر پوست گاوی نوشته شده بود و نزد امام جعفر صادق علیه السلام وجود داشت. هارون عجلی آن را از آن بزرگوار روایت کرده و از آن نسخه‌ای نوشته است». [صفحه ۳۵۹]

فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی (م ۹۲۷)

در شرح صلوات بر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می نویسد: «اللهم صل و سلم علی الإمام السادس، المقرب السابق؛ المؤدب الموافق و المغیث للملهوفین عند الطوارق، الملتجی بحرز الله عند نزول کل طارق». «بار خدایا درود و صلوات فرست بر امام ششم. نزدیک گردانیده شده به حضرت حق تعالی و پیشی گیرنده در اعمال نیک (و این اشاره بر این که آن حضرت از مقربان حق تعالی و از سابقان است) او تربیت شده به آداب الهی است و آن حضرت فریادرس و یاری کننده‌ی ضعیفان و ناتوانان به هنگام نزول حوادث و بلیات است (و این اشاره است به رحم و عطوفت آن حضرت بر عاجزان چنانچه روایت کرده‌اند که هر کس را حادثه یا فقری در مدینه پیش آمدی، پناه به جوار لطف و احسان آن حضرت نمودی و از خوان کردم آن حضرت بهره‌ی وافی یافتی، چنانچه شیوه‌ی کریمه‌ی اهل بیت علیهم السلام) بوده. پناه جوینده به حرز و حفظ الهی به هنگام فرود آمدن هر بلا. (و این اشاره است به این که ابو جعفر دوانیقی قصد آن حضرت کرد و او پناه به حرز الهی برد و بر آن دشمن غدار غالب و فائق آمد) و حرز مشهور آن حضرت که به «حرز امام جعفر صادق علیه السلام» معروف است، اول آن این است: «ما شاء الله توجها الی الله، ما شاء الله تقربا الی الله ما شاء الله تطفئا الی الله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله». «... ابن روزبهان» بعد از نقل این فقره از آن حرز، می نویسد: «و بحمد الله تعالی این فقیر ضعیف آن را یاد دارم و از او را فقیر است که سالهاست بدان مواظبت می نمایم و تمام عمر در پناه آن حرز بحمد الله و حوله و قوته از شر اعداء مصون و محروم». «الذی بین الحق و الباطل فارق؛ حجة الله القائمة علی کل زندیق و منافق؛ المعتصم بحول الله و قوته فی قتل کل خارجی مارق؛ المطلع علی اسرار الغیوب بتعلیم الله الخالق؛ العطوف علی کل محبوب مصادق ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق السید الزکی الصالح؛ صاحب السمع السمع من الله البدیع المقبور مع أبویه [صفحه ۳۶۰] و عمه بالقیح». «آن حضرت جدا کننده‌ی حق از باطل است. او حجت خدا و برهان حق تعالی است که بر هر ملحد و منافق قائم شده است. آن حضرت چنگ زنده به حول و قوه‌ی الهی در کشتن هر خارجی که از دین بیرون رفته. (و این اشاره است بدانچه روایت کرده‌اند که نوبتی یکی از خوارج نزد «مهدی عباسی» غیبت آن حضرت کرد و با مهدی گفت که جعفر بن محمد داعیه‌ی خروج دارد، نامه‌ها به اهل کوفه نوشته و با او بیعت کرده‌اند، مهدی گفت: تو در مقابل او این سخن می گوئی؟ گفت: بلی؛ و سوگند بر آن می خورم. «مهدی عباسی» امام را حاضر گردانید و آن خارجی را در مقابل آورد و خارجی در حضور امام آن تهمت را تکرار کرد. امام به او فرمود: سوگند می خوری که این سخن راست است؟ خارجی گفت: بلی؛ امام فرمود: بدان نوع که من سوگند می دهم تو را، سوگند یاد کن. فرمود: بگو از حول و قوه‌ی حضرت حق سبحانه و تعالی بیرون آمدم و به حول و قوت خود رفتم اگر این سخن که می گویم دروغ است، آن خارجی به همین عبارت سوگند یاد کرد فی الحال بیفتاد و به دوزخ رفت. «مهدی» دستور داد از پای مردار آن خارجی بکشیدند و بیرون بردند و از امام عذرخواهی کرد و او را روانه گردانید و چنین اثری غریب و کرامتی عجیب از آن حضرت ظاهر شد. آن حضرت بر اسرار غیبی به تعلیم خداوند آگاه است. (و این اشاره است به اطلاع آن حضرت بر اسرار غیبی که ائمه‌ی هدی علیهم السلام هم به الهام و تعلیم الهی این علم را داشته‌اند چنانچه روایت کرده‌اند که یکی از محبان امام جعفر صادق علیه السلام گفت: من در بغداد بودم و «منصور» خلیفه‌ی عباسی قصد کرده بود که به حج برود. من به مکه آمدم به امام صادق علیه السلام عرض کردم که [صفحه ۳۶۱] منصور امسال قصد حج دارد آن حضرت فرمود: منصور کعبه را نمی بیند، چون موسم حج شد، منصور به عزم حج از بغداد بیرون آمد. من به امام جریان را عرض کردم فرمود: منصور کعبه را نمی بیند. چون به مدینه رسید، رفتم و دیگر بار تکرار کردم، همان سخن فرمود. چون از مدینه متوجه مکه شد، و نزدیک مکه رسید، مرا شکی پیدا شد چون به محل چاه میمون رسید که از آنجا تا مکه یک دو فرسخ است، شب در آنجا وفات کرد، صبح با عده‌ای به استقبال منصور رفتم و من درباره‌ی امام به تردید افتاده بودم. عده‌ای آمدند و خبر دادند که منصور دیشب فوت کرد. من باز گشتم و آن خبر را به اطلاع امام رساندم و درخواست کردم که برای من استغفار کند چون آن حضرت بر دستوراتان خود رؤوف

و مهربان بود جهت من استغفار نمود). آن حضرت به غایت مهربان بود بر هر دوستی که مصادقت آن حضرت اختیار کرده بود. (و این اشاره است بدانچه روایت کرده‌اند که آن حضرت شامل شیعه‌ی اهل بیت علیهم السلام را جمع فرمود و جهت ایشان مجلس درس دائر نمود و قبل از آن حضرت هرگز جماعت موالیان اهل بیت چنان نبوده‌اند که در زمان آن حضرت ایشان را جمیعت بوده). کنیت آن حضرت «ابوعبدالله» است. و او از طرف خداوند صاحب گوش شنونده است. و سرانجام در مدینه‌ی منوره به درود حیات گفت و در قبرستان بقیع در کنار قبر عم بزرگوارش امام حسن علیه السلام و جد و پدرش مدفون گردید و تمامی در یک قبه مدفونند. اللهم صل علی سیدنا محمد و آل سیدنا محمد سیما الإمام السادس [صفحه ۳۶۲] جعفر الصادق علیه السلام [۳۱].

حافظ حسین کربلائی تبریزی (م ۹۹۴ هـ)

درباره‌ی امام صادق علیه السلام می نویسد: «ذکر الإمام الصادق الصدیق؛ العالم الوثیق الحلیم الشفیق؛ صاحب الشرف الرفیع و الحسب المنیع و الفضل الجمیع؛ المدفون بأرض البقیع؛ الإمام الممجد؛ ابی عبدالله جعفر بن محمد علیهما السلام». «وی امام ششم است از ائمه‌ی اثنی عشر، کنیت وی ابوعبدالله است لقب مبارکش صادق و فاضل، ولادت همایونش سنه ثمانین بالمدينة ... وفات حضرت جعفر علیه السلام در منتصف رجب سنه‌ی ثمان و اربعین و مائة». «و دفن بالبقیع فی قبر فیه أبوه و جده و عم جده و أکرم بذلک القبر و ما جمع من الأشراف الکرام ... و له کلام نفیس فی علوم التوحید و غیرها و قد ألف تلمیذه «جابر بن حیان» کتابا یشتمل علی ألف ورقه یتضمن رسائله و هی خمس مائة رساله، کذا فی تاریخ الیافعی». و قال فی کتاب کشف المحجوب: یکی از ائمه‌ی مشایخ از اهل بیت رسالت، سیف سنت و جمال طریقت و معبر اهل معرفت و مزین ارباب صفوة جعفر بن محمد الصادق علیه السلام است علیهما السلام. عالی حال و نیکو سیرت و آراسته ظاهر و آبادان سریرت بود. وی را اشارت نیکوست در جمله‌ی علوم، و مشهور است در میان مشایخ به دقت کلام و قوت معانی. و وی را کتب معروف است در میان اهل طریقت. از وی روایت کردند که گفت: «من عرف الله أعرض عما سواه» عارف معرض بود و منقطع از اسباب، از خلق گسسته و به دوست پیوسته، غیر از در دلش آن مقدار نباشد که بدو التفات کند». [صفحه ۳۶۳] و از آن حضرت خرق عادات و کرامت بسیار منقول است از آن جمله آن که از «حسین بن زید» مروی است که گفت: ابوعبدالله علیه السلام را گفتم: مرا خبر ده از آنچه خدای تعالی، «ابراهیم» علیه السلام را گفت (أو لم تؤمن قال: بلی و لکن لیطمئن قلبی) (بقره، ۲۶۰) گفت: می خواهی که همان طور تو را نمایم؟ گفتم: آری یابن رسول الله. آن حضرت آواز کرد که: یا باز یا غراب یا طاوس یا حمامه این مرغان را دیدم در پیش وی حاضر گشتند، پس آن حضرت کاردی بر گرفت و ایشان را ذبح کرد و بهم برآمیخت آنکه چهار جزء کرد، بعد از آن گفت: یا باز یا غراب یا طاوس، یا حمامه دیدم که بعضی از آن نزدیک بعضی شد تا همچون ماهیت اول گردیدند، آنکه گفت دیدی مثل آن که حضرت ابراهیم را روی نموده بود؟ گفتم: بلی یابن رسول الله ... روایت کرده‌اند به اسناد از «احمد بن النصر» از «عبدالله بن ابی لیلی» که او گفت: ابوجعفر الدوانیق کس به نزد امام صادق علیه السلام فرستاده بود وی را بیاورند و مرا نیز طلبیده بود، و من اتفاقا پیش از آن حضرت نزد دوانیق حاضر شدم و او اضطراب می نمود و می گفت: تعجیل کنید و بیاورید وی را. خدا مرا بکشد اگر من وی را نکشم. خدای زمین را از خون من سیراب کند اگر من زمین را از خون وی آب ندهم. من از حاجب پرسیدم که: وی چه کسی را می خواهد و این شدتش به واسطه‌ی کیست؟ گفت: جعفر بن محمد الصادق. در این سخن بودیم که مأمورین وی را درآوردند. وی لب مبارک خود را می جنبانید. پس چون ابوجعفر الدوانیق بدو نگریست گفت: مرحبا یا ابن عمی مرحبا یا ابن رسول الله. و او را نزدیک به خود بر بالش خود بنشانند آنکه طعام خواست و به دست خود الوان اطعمه پیش وی می نهاد. انواع نوازش به جای آورد و آن حضرت رخصت طلبیده به منزل خود باز گردانید. چون وی بیرون آمد، گفتم: فدای تو گردم این مرد قصد کشتن تو داشت و چون تو در آمدی لب می جنبانیدی، شک نکنم که دعا می خواندی، اگر صلاح باشد که آن را به من هم بیاموزید که من از محبان

[صفحه ۳۶۴] مخلص شما هستم تا چون پیش ایشان شوم من نیز آن بخوانم که مبتلا شده‌ام به خدمت ایشان فرمود که: آری آن دعا این است: «ما شاء الله؛ ما شاء الله؛ لا یأتی بالخیر الا الله؛ ما شاء الله ما شاء الله لا یصرف السوء الا الله؛ و ما شاء الله ما شاء الله کل نعمه فمن الله؛ ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم» [۳۲].

احمد بن یوسف القرمانی ابوالعباس (متوفی ۱۰۱۹)

مؤلف کتاب «اخبار الدول و آثار الاول» می گوید: «نقل عنه من العلوم ما لم ینقل عن غیره و کان رأساً فی الحدیث. روی عنه یحیی بن سعید و ابن جریح و مالک بن انس و الثوری و ابن عیینه و ابوحنیفه و شعبه و ابویوب السجستانی و غیر هم ... نقل ان کتاب الجفر الذی بالمغرب یتوارثه بنو عبدالمؤمن له و مناقبه کثیره» [۳۳]. «آن قدر که از امام صادق علیه‌السلام نقل علم شده، از دیگران نشده است او در حدیث به منزله‌ی سر بود و از او «یحیی بن سعید و ابن جریح و مالک بن انس و سفیان ثوری و ابن عیینه و ابوحنیفه و ابویوب سجستانی» و غیر اینها روایت کرده‌اند. نقل است کتاب «الجفر» که در مغرب «بنو عبدالمؤمن» از همدیگر به ارث می برند، از آن حضرت است و مناقب او زیاد است». [صفحه ۳۶۵]

جمال‌الدین الداودی

می نویسد: «جعفر الصادق له عمود الشرف و مناقبه متواتره بین الأنام، مشهوره بین الخاص و العام و قصده المنصور الدوانیقی بالقتل مراراً فعصمه الله» [۳۴]. «جعفر صادق ستون شرف و مناقبش به طور متواتر در میان مردم منتشر شده است چنان که خاص و عام از آن آگاه بودند. منصور چندین مرتبه تصمیم بر قتل او گرفت ولی خداوند او را حفظ کرد».

سید امیر علی هندی

«سید امیر علی» ضمن اشاره به گسترش علم در زمان امام صادق علیه‌السلام می نویسد: «و لا یفوتنا أن نشیر إلى أن الذی تزعم تلک الحركة: هو حفید علی بن ابی طالب المسمی بالإمام الصادق و هو رجل رحب افق التفکیر بعید اغوار، ملم کل الالمام بعلم عصره، و یتعبر فی الواقع انه اول من اسس المدارس الفلسفیه المشهوره فی الإسلام و لم یکن یحضر حلقته العلمیه اولئک الذین اصبحوا مؤسسی المذاهب الفقهیة فحسب، بل کان یحضرها طلاب الفلسفه و المتفلسفون من الانحاء القاصیه». «شایان ذکر است که رهبری این حرکت فکری را که در حوزه‌ی علمی شکل گرفته بود، یکی از نواده‌های علی بن ابی طالب علیه‌السلام به نام امام جعفر صادق علیه‌السلام داشت. او پژوهشگری فعال و متفکری بزرگ بوده و با علوم عصر خود به خوبی تبحر و آشنائی داشت. او نخستین کسی بود که مدارس فلسفی مشهور در اسلام را تأسیس کرد. در مجلس درس او، تنها کسی که بعدها مذاهب فقهی را تأسیس کردند، شرکت نمی کردند، بلکه فلاسفه و طلاب حکمت و دانش از مناطق دور دست در آن حاضر می شدند». «حسن بصری» مؤسس مکتب فلسفی «بصره» و «واصل بن عطا» مؤسس مذهب معتزله از شاگردان او بودند که از زلال چشمه‌ی دانش او سیراب [صفحه ۳۶۶] می شدند [۳۵].

ابوالمظفر یوسف شمس‌الدین

معروف به «سبط ابن جوزی» (قز اوغلی) «محمد بن یوسف» فقیه شافعی، نحوی، اصولی، ریاضی، منطقی، معروف به «خطیب جزری» درباره‌ی امام چنین می نویسد: «جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن ابی طالب و کنیته ابو اسماعیل و یلقب بالصادق و الطاهر و الفاضل، و أشهر القابه الصادق» [۳۶]. «جعفر بن محمد بن ... کنیه‌اش «ابو اسماعیل» و ملقب «صادق» و طاهر و فاضل و

مشهورترین القابش «صادق» است» .

شیخ ابو عبدالرحمن السلمی (متوفی ۴۱۲ هـ)

«محمد بن حسین بن محمد بن موسی»، محدث بزرگ و یکی از حفاظ اهل سنت و صوفی مشرب مؤلف کتاب «تفسیر حقائق و طبقات مشایخ» درباره‌ی امام صادق علیه السلام می نویسد: «ان الإمام جعفر الصادق فاق جميع أقرانه و هو ذو علم غزير في الدين و زهد بالغ في الدنيا، و ورع تام عن الشهوات و أدب كامل في الحكمة» [۳۷]. «امام جعفر صادق علیه السلام بر تمام اقران خود برتری داشته و دارای دانش وسیعی در پیرامون مسائل دینی و زهد فراوان نسبت به مسائل دنیوی و ورع کامل در مقابل شهوات و ادب کامل در حکمت بود». [صفحه ۳۶۷]

احمد حسن الباقوری

صاحب کتاب «علی إمام الأئمة» درباره‌ی امام صادق علیه السلام می گوید: «و أما أبو حنیفه و صاحبه أبو یوسف و محمد فقد اخذوا عن جعفر الصادق علیه السلام» [۳۸]. «اما ابوحنیفه و دو مصاحبش ابو یوسف و محمد هر دو از جعفر صادق علیه السلام اخذ علم کرده‌اند» .

شهاب الدین محمد بن احمد الابشهی (متوفی ۸۵۰ هـ)

مؤلف کتاب «المستطرف فی کل فن مستطرف» می گوید: «حکى عن جعفر الصادق رضى الله عنه ان غلاما له وقف يصب الماء على يديه فوق الإبريق من يد الغلام فى الطست، فطار الرشاش فى وجهه فنظر جعفر إليه نظر مغضب، فقال: يا مولای (و الكاظمين الغيظ) قال: قد كظمت غيظى. قال (و العافين عن الناس) قال: قد عفوت عنك. قال: (و الله يحب المحسنين) قال: إذهب فأنت حر لوجه الله تعالى» [۳۹]. «از جعفر صادق علیه السلام حکایت شده که آن حضرت غلامی داشت روزی این غلام ایستاده و بر دستهای آن حضرت آب می ریخت ناگهان آفتابه از دست غلام به تشت افتاد و آب تشت به صورت امام پاشیده شد، امام با حالت غضب به روی غلام نگاه کرد. غلام گفت: ای مولای من، خداوند در قرآن فرموده است: (مؤمنان کسانی هستند که غیظ خود را فرو می نشانند) امام [صفحه ۳۶۸] فرمود: غیظ خود را برو نشاندم. غلام گفت: (و از مردم عفو می کنند) امام فرمود: تو را عفو کردم. باز غلام است: (خداوند احسان کنندگان را دوست دارد) فرمود: برو تو در راه خدا آزادی» .

محمد أمين البغدادي السويدي (متوفی اوائل قرن سیزدهم)

از فضلالی بغداد مؤلف کتاب «سبائك الذهب فى أنساب العرب» یا «فى معرفة قبائل العرب» درباره‌ی امام صادق علیه السلام می گوید: «جعفر الصادق كان من بين اخوته خليفه أبيه و وصيه، نقل عنه من العلوم ما لم ينقل عن غيره و كان اماما فى الحديث، مناقبه كثيرة» [۴۰]. «امام صادق علیه السلام از میان برادران خود جانشین پدر و وصی او بود و علوم بسیاری از او نقل شده که از هیچ کس به آن درجه نقل نشده و در علم حدیث پیشوای محدثین بوده و مناقب و فضائلش بسیار است» .

عبدالحی بن العماد الحنبلی (متوفی ۱۰۸۹ هـ)

صاحب کتاب «شذرات الذهب فى أخبار من ذهب» می نویسد: «الإمام سلاله النبوة، ابو عبدالله جعفر الصادق بن محمد الباقر بن زين العابدين بن على بن الحسين الهاشمي العلوي. و قد ألف تلميذه جابر بن حيان الصوفى كتابا فى ألف ورقة يتضمن رسائله. و هى

خمساً هو عند الإمامیه من الإثنی عشر بزعمهم. قيل: إنه سأل أباحنیفه عن محرم رباعیه ظبی. فقال: لا أعرف جوابها. فقال: أما تعلم أن الظبی لا یكون له رباعیه» [۴۱]. [صفحه ۳۶۹] «امام، سلاله‌ی نبوت، ابو عبدالله جعفر بن محمد صادق ... هاشمی علوی که شاگردش جابر بن حیان کتابی تألیف کرده است در هزار ورق مشتمل بر پانصد رساله از امام صادق علیه‌السلام می باشد. او به گمان امامیه یکی از ائمه‌ی دوازده گانه است. گفته شده آن حضرت از ابوحنیفه از حکم محرمی سؤال کرد که چهار دندان رباعی گوزنی را (که میان ثنایا و انیاب باشد) شکسته باشد. ابوحنیفه گفت: جواب آن را نمی دانم. حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: تو نمی دانی که گوزن دندان رباعی ندارد؟» .

عبدالرحمن الشراوی

در وصف امام صادق علیه‌السلام می نویسد: «لم یجمع الناس علی حب أحد فی ذلك العصر كما اجمعوا علی حب الإمام جعفر بن محمد الذی اشتهر فیهم بإسم جعفر الصادق. ذلك انه كان صافی النفس؛ واسع الأفق؛ متوقد الذهن؛ کبیر القلب؛ حاد البصیره؛ ضاحک السن؛ عذب الحدیث؛ حلو المعشر؛ سباقا إلی الخیر؛ برا؛ طاهرا؛ و كان صادق الوعد و كان تقیا هو من العتره الطاهره عتره رسول الله صلی الله علیه و آله علی وجهه شعاع من نور النبوه و هو مع انشغاله بكل ذلك - دعوه إلی الوحدانیه فالإسلام بالحکمه و الموعظه الحسنه. كان یتحرى أحول الناس و یحمل علی کتفه جرابا فیہ طعام و مال فیوزعه علی أصحاب الحاجه دون أن یدع أحدا یعرف علی من یتصدق..» [۴۲]. «مردم عصر آن حضرت در محبت و دوستی مانند امام صادق علیه‌السلام توافق نداشتند و او در میان مردم به اسم «جعفر صادق» شهرت داشت زیرا ذاتش صاف، افق فکرش وسیع، ذهنش روشن، قلبش بزرگ، بینایش حاد، - یعنی بسیار نازک بین - چهره‌اش خندان، و خوش [صفحه ۳۷۰] صحبت و خوش برخورد، و به کارهای خیر و نیکوکاری سبقت می جست پاکیزه و صادق الوعد و پرهیزگار و از عترت پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و در چهره‌اش شعاعی از نور نبوت مشاهده می شد با وجود گرفتاری زیاد، مردم را به توحید و اسلام با حکمت و موعظه حسنه فرا می خواند. او هرگز از حال مردم غافل نبود و همواره روی شانهای خود کیسه‌ای پر از طعام و مال کرده و آن را حمل و در میان مستمندان توزیع می نمود بدون این که آنها را شناسائی کند. مردم را از انتقام جوئی بر حذر می داشت و فضیلت عفو و گذشت را به آنها گوشزد می کرد و قول جدش رسول خدا را یادآور می شد که فرمود: «ما زاد عبد بالعفو الا - عزا» در اثر عفو، عزت انسان زیاد می شود. او در آسمان معرفت اوج می گرفت و در مشکلات علمی غور می نمود شخصیت والای او اشعار می داشت که او قویتر از خلیفه است زیرا کدام خلیفه و ملک در روی زمین در دوران حکومتش به مردم نفع و فائده رسانده است. پیوسته می فرمود: «من طلب الرئاسة هلك» هر کس در طلب ریاست باشد، هلاک می شود. پیوسته ریاست او را طلب می کرد ولی او از ریاست گریزان بود» .

شیخ یوسف بن اسماعیل النبهانی (۱۳۵۰ - ۱۲۶۵)

مؤلف کتاب «جامع کرامات الأولیاء» می نویسد: «جعفر الصادق علیه‌السلام أحد أئمه ساداتنا آل البيت الکبار کان رضی الله عنه إذا احتاج إلی شیء قال: یا رباه، انا محتاج إلی کذا. فما یستتم دعاؤه الا و ذلك الشیء بیجنبه موضوعا. قاله الشعرانی» [۴۳]. «جعفر صادق یکی از ائمه‌ی اهل بیت کبار می باشد و هرگاه محتاج چیزی می شد می گفت: پروردگارا به فلان چیز احتیاج دارم و دعایش تمام نشده آنچه خواسته بود، در کنارش نهاده شده [صفحه ۳۷۱] بود. این مطلب را شعرانی در «لواقح الأنوار» نوشته است» .

شیخ محمد بن علی بن زین العابدین مناوی قاهری شافعی (۱۰۳۱ - ۹۵۲ هـ)

ملقب به «عبدالرؤوف» مؤلف کتاب «کنوز الحقائق فی حدیث خیر الخلاق» می نویسد: «من کراماته انه سعی به عند المنصور، فلما

حج أحضر الساعی و أحضره و قال للساعی: اتحلف؟ قال له: نعم. فقال جعفر للمنصور: حلفه بما أراه فقال: حلفه، فقال: قل برأت من حول الله و قوته و التجأت إلى حولی و قوتی، لقد فعل جعفر كذا و كذا. فامتنع الرجل، ثم حلف، فما تم حتى مات مكانه. و منها: ان بعض البغاة قتل مولاه، فلم يزل ليلته يصلى، ثم دعا عليه عند السحر فسمعت الضجة بموته. و منها: انه لما بلغه قول الحكم بن العباس الكلبي في عمه زيد: صلبننا لكم زيدا على جذع نخلة و لم نر مهديا على الجذع يصلب قال: اللهم سلط عليه كلبا من كلابك، فافترسه الأسد» [۴۴]. «از كرامات حضرت صادق علیه السلام یکی این است که مردی پیش منصور از آن حضرت سعایت کرده بود منصور که ضمن يك سفر حج به مدینه آمده بود، سخن چین و حضرت صادق را احضار کرد و به سخن چین گفت: آیا حاضری قسم بخوری؟ گفت: آری. حضرت صادق علیه السلام به منصور فرمود: او را آن چنان که من می گویم، قسم بده. منصور گفت: خودت قسم بده. حضرت صادق علیه السلام به آن شخص سخن چین فرمود: بگو از حول و قوه‌ی الهی خارج و به حول و قوه‌ی خود متکی شدم بر اینکه جعفر بن محمد این چنین گفته است. آن شخص اول امتناع کرد، سپس [صفحه ۳۷۲] قسم خورد قسمش هنوز به پایان نرسیده بود که هلاک شد. از جمله کرامات آن حضرت این است بعضی از ستمکاران غلام او را کشت حضرت طول شب را نماز خواند، سپس به هنگام سحر آن قاتل غلام را نفرین کرد، دعایش تمام نشده بود که آن شخص مرد. دیگر اینکه چون سخن «حکم بن عباس کلبی» (شاعر بنی امیه) درباره‌ی عمویش زید، به گوش او رسید که گفته بود: از خانواده‌ی شما زید را از شاخه‌ی درخت خرما، دار زدیم ما هرگز هیچ مهدی که بر شاخه‌ی درخت آویزان شود، ندیده بودیم. حضرت صادق علیه السلام فرمود: پروردگارا سگی از سگهایت را بر وی مسلط گردان. طولی نکشید که شیری او را از هم درید.» .

عبدالعزيز سيد الأهل

صاحب کتاب «جعفر بن محمد الإمام الصادق» عضو المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية في القاهرة: درباره‌ی آن سلاله‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین آورده است: «جعفر بن محمد غیر آن کان اماما مفعرة من مفاخر المسلمين لم تذهب، أو لم تطمس و إنما بقى منها في كل غد قادم - حتى القيامة - صوت صارخ من حروفها، يعلم الزهاد زهدا و يكسب العلماء علما، يهدى المضطرب و يشجع المقتحم يهدد الظلم و يبنى العدالة و هو ينادى المسلمين جميعا أن هلموا و اجتمعوا» [۴۵]. «جعفر بن محمد افزون بر آنچه مقام امامت داشت، افتخاری از افتخارات مسلمانان بود او هرگز از میان نرفته، تباه نشده است، بلکه فریاد او هر روز تا قیامت در گوش مسلمانان به صدا در می آید. زاهدان را زهد و عالمان را علم تعلیم می داد. مضطرب و آشفته را هدایت و شتاب [صفحه ۳۷۳] کننده را تشجیع و ترغیب می فرمود ظلم را ویران و عدالت را بنیاد می کرد او تمام مسلمانان را به وحدت و همبستگی دعوت می کرد» «و قد عاش جعفر في حياة أبيه الباقر عليه السلام نحو من ثلاثين سنة فتطبع بصفات أبيه زهدا و فضلا و محبة للعلم و ايتارا له على الزهد و العبادة و تعلم منه و من جده زين العابدين أن يطعم الطعام حتى لا يبقى لعياله كسرة و ان يكسوا الثياب حتى لا تبقى لهم كسوة» [۴۶]. «حدود سی سال با پدرش امام باقر علیه السلام زندگی کرد و خود را با صفات نیکوی او آراست. از پدرش و جدش زین العابدین آموخت که فقرا را اطعام کند تا آنجا که لقمه نانی برای اهل و عیال خود باقی نماند و بر آنان لباس بپوشاند تا آن حد که به عائله‌ی خود لباسی باقی نماند». «فلقب بالصادق و الفاضل و الظاهر و العالم و أشهرها الصادق. تلقب بالصادق على أفواه الناس جميعا، لم يستثن أحد من أصحابه، أو خصومه لم يلقبه به كان هناك إجماع تام لا خرق فيه، على تلقب جعفر بن محمد بالصادق و صار له في الزمان كله علما يعرف به. إنما سمي بالصادق لأنه كان أكثر الناس صدقا و كان في صدقه خالص الصراحة لا يبالي أحدا، من أهله أو من غير أهله متى نطق بالحق و مع أنه لم يقل الا ما اعتقد انه الحق و لم يعمل الا ما رآه حقا فانه لم يقبل من أحد قولاً، أو عملاً الا و الصدق بين فيه» [۴۷]. «ملقب به صادق، فاضل، ظاهر، عالم و ... گردید که مشهورترین آنها «صادق» بود و در میان عموم مردم اعم از دوست و دشمن به «صادق» ملقب شده بود و این لقب برای او مورد اجماع و اتفاق قرار گرفته بود چنان

که در میان تمام مسلمانان اجماعی بود و کسی با این اجماع مخالف نبود. [صفحه ۳۷۴] اطلاق لقب صادق به آن حضرت به گونه‌ای بود که به نظر می‌آید صادق نام او است نه لقبش زیرا مردم برای وی نامی جز صادق نمی‌شناختند. به این جهت «صادق» نامیده شده که در صدق گفتار کسی به پای او نمی‌رسید و در صدق چنان خالص و صریح که در اظهار حق از هیچ کسی پروا نداشت جز حق بر زبان جاری نمی‌ساخت و جز به آن به چیزی عمل نمی‌کرد و قول و عمل کسی را قبول نمی‌نمود مگر این که راست باشد صدق و راستی معیار و میزان او بود». «کان جعفر بن محمد اماما فی کل العلوم [۴۸] و فی رحله لجابر بن حیان الی الکوفه کان اتصاله بجعفر فلزمه تلمیذا و صدیقا و تلقی عند هذه الصناعة - الکیماء - [۴۹]». «جعفر بن محمد در تمام رشته‌های علوم امام و پیشوا بود. جابربن حیان در سفری به کوفه با جعفر بن محمد ملاقات نمود و به عنوان شاگرد و دوست ملازم آن حضرت شد و این فن - کیمیا - را از او آموخت».

احمد عبدالجواد الدومی

صاحب کتاب «الاتحافات الربانیة بشرح الشمائل المحمدیة» [۵۰] می‌نویسد: «جعفر بن محمد لقب بالصادق لکمال صدقه ... کانت له مواعظ جلیله و نصائح عالیة. قال یوما لسفیان الثوری: إذا أنعم الله علیک بنعمة فاجبت بقائها فأكثر من الحمد و الشکر علیها و إذا استبطأت الرزق فأكثر من الاستغفار و إذا اکربک أمر من سلطان و غیره فأكثر من ذکر لا حول و قوة الا بالله فانها جناح الفرج و کنز من کنوز [صفحه ۳۷۵] الجنة» [۵۱]. «جعفر بن محمد به خاطر این که در صدق و راستی کامل بود، ملقب به «صادق» شده بود آن حضرت را مواعظ و نصائح گرانبهائی بود از آن جمله: روزی به سفیان ثوری فرمود: وقتی خداوند نعمتی به تو ارزانی داشت، و تو علاقمند به بقای آن بودی، حمد و شکر خدا را زیاد به جای آور و اگر در روزیت تأخیری دیدی، زیاد استغفار کن و اگر امری از سلطان و غیره تو را ناراحت کرد، «لا حول و لا قوة» ... را زیاد بگو زیرا آن ذکر بال فرج و گنجی از گنجهای بهشت است».

صالح بن محمد الحجازی

«علم من أعلام الإسلام و سید من سادات المسلمین ... فهو الإمام الذی اتفق المسلمون علی اختلاف طوائفهم و تعداد مذاهبهم علی امامته و ورعه و تقاه و اثنوا علیه و مدحوه و أحبوه لفضله و زهده و علمه و قرابته من الرسول فهو شریف النسب أباً و أمماً، فأبوه محمد الباقر عالم آل البيت فی عصره و سید بنی‌هاشم، و جده علی زین‌العابدین بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام. تصدر للتدریس و نشر العلم فأخذ عنه خلق کثیر، فروى عنه سادة الامم و خيارها امثال سفیان الثوری و ابن عیینة و سلیمان بن بلال و ابن ابی حاتم و ابی حنیفة و مالک، و ابن جریح و شعبه و ولده موسی الکاظم. و احتج به سائر الأئمة ما عدی البخاری و وثقوه فقد قال ابن معین عنه: ثقة مأمون و قال ابن عدی: و هو من ثقاء الناس. قال فی التهذیب: و قال عمرو بن المقدم: کنت إذا نظرت الی جعفر بن محمد علمت أنه من سلاله النبیین و اثنی علیه شیخ الإسلام ابن تیمیة فی منهاج السنه و قال عنه: انه من خيار أهل الفضل و الدین و قال السخاوی: کان من سادات أهل البيت [صفحه ۳۷۶] فقها علما و فضلا و جودا یصلح للخلافة لسؤدده و فضله و علمه و شرفه ... و کان فقیها سدیدالری قال عنه ابوحنیفة: ما رأیت أفقه منه. و قال عنه مالک: اختلفت الیه زمانا فما کنت أراه الا مصلیا او صائما او قائما و ما رأیته یحدث الا علی طهارة» [۵۲]. «جعفر بن محمد، پیشوایی است از ائمه‌ی اسلام و بزرگی است از بزرگان مسلمین. او امامی است که تمامی طوائف و فرقه‌های مسلمین بر امامت و ورع و تقوای او اتفاق دارند و او را توثیق و مدح کرده و به خاطر فضل و زهد و علم و قرابتش به رسول خدا صلی الله علیه و آله او را دوست می‌دارند، نسبت او هم از طرف پدر و هم از طرف مادر شریف است پدرش محمد باقر عالم اهل بیت در عصر خود و بزرگ بنی‌هاشم و جدش زین‌العابدین فرزند حسین بن علی علیه‌السلام می‌باشد. اقدام به تدریس و نشر علم نمود. جمع کثیری از او علم اخذ کردند و بزرگان و نیکان امت از قبیل: سفیان ثوری، ابن عیینة،

سلیمان بن بلال، و ابن ابی حازم و ابوحنیفه، مالک و ابن جریر و شعبه و فرزندش موسی کاظم، از او روایت حدیث کرده‌اند و سایر ائمه به جز بخاری، به روایت او استناد کرده و او را توثیق نموده‌اند. ابن معین درباره‌ی او گفته: موثق و مورد اعتماد است. ابن عدی گوید: او از موثقین مردم است در تهذیب التهذیب از عمرو بن مقدم نقل کرده که گوید: هر وقت به جعفر بن محمد نگاه می‌کردم می‌فهمیدم که او از سلاله‌ی پیامبران است. شیخ الإسلام ابن تیمیه در کتاب منهاج السنه او را مدح کرده و گفته: او برگزیده‌ی اهل فضل و دین است. سخاوی می‌گوید: او از لحاظ فهم و علم و فضل و جود از بزرگان اهل بیت و به خاطر سیادت و فضل و علم و شرفش شایسته‌ی خلافت بود. او فقیهی است دارای رأی محکم و ابوحنیفه درباره‌ی او گفت: کسی فقیه‌تر از وی ندیدم و مالک در حق او گفت: زمانی که به خدمت ایشان رفت و آمد داشتم، او را نمی‌دیدم مگر در حال نماز، یا روزه یا قیام او همواره با طهارت حدیث می‌فرمود. [صفحه ۳۷۷]

احمد بن تیمیه الحرائی (متوفی ۷۲۸ هـ)

بنیانگذار مسلک وهابیت. مؤلف کتاب «منهاج السنه النبویه فی نقد کلام الشیعۀ و القدریۀ» که در رد کتاب «منهاج الکرامۀ فی معرفۀ الإمامۀ» ابن مطهر نوشته است، چنین می‌گوید: «جعفر الصادق رضی الله عنه من خیار أهل العلم و الدین» [۵۳]. «جعفر صادق رضی الله عنه از برگزیدگان اهل علم و دین است».

یوسف بن تغری بردی بن عبدالله الظاهری الحنفی ابو المحاسن جمال الدین (۸۷۴ – ۸۱۳)

مؤلف کتاب «النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره» [۵۴] می‌گوید: «جعفر الصادق بن محمد الباقر علیه السلام السید أبو عبدالله الهاشمی العلوی الحسینی المدنی؛ و کان یلقب بالصابر و الفاضل و الطاهر؛ و أشهر القابہ الصادق. حدث عنه أبو حنیفہ و ابن جریر و شعبه و السفیانان و مالک و غیرهم» [۵۵]. «ابو عبدالله جعفر صادق فرزند محمد باقر علیه السلام، امام، هاشمی علوی حسینی و مدنی به «صابر» و «فاضل» و «طاهر» ملقب بود که مشهورترین آنها «صادق» است و از او ابوحنیفه و ابن جریر و شعبه و سفیان ثوری و سفیان بن عیینه و مالک و غیر اینها روایت کرده‌اند. [صفحه ۳۷۸]

میر شمس الدین محمد سامی الارنبوری الرومی (متوفی ۱۳۲۲ هـ)

مؤلف «قاموس الأعلام» ترکی در تاریخ جغرافیا و اسما خاص در این باره چنین گفته: «جعفر صادق فرزند محمد باقر بن زین العابدین بن حسین به علی بن ابیطالب، ششمین امام از ائمه‌ی دوازده گانه است. مادرش «ام فروه» دختر «قاسم بن محمد بن ابوبکر» می‌باشد و در سال ۸۲ در مدینه منوره تولد یافت او فرزند ارشد امام محمد باقر علیه السلام است او در نزد پدرش که در علم و فضل فرید زمان خود بود، تلمذ نمود و حوزه‌ی تدریس پدرش را ادامه داد و از او امام اعظم «ابوحنیفه» استفاده‌ها کرد. امام صادق علیه السلام ید طولائی در علم جفر و کیمیا داشت و از جمله کسانی که در محضر او تلمذ نموده، مؤسس علم کیمیا «جابر بن حیان» بود. او در زهد و تقوی و قناعت و حسن اخلاق نظیر نداشت و به راستی لقبش «صادق» نامیده شد. در سال ۱۴۸ در حالی که ۶۵ سال از عمرش می‌گذشت، در مدینه به درود حیات گفت و در جوار جد و پدرش دفن گردید. صاحب ترجمه به امام مذهب شیعه و پیروانش «جعفری» معروف شدند [۵۶].

علی بن سلطان محمد الهروی القاری الحنفی (نورالدین) (متوفی ۱۰۱۴)

می‌گوید: «جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب الهاشمی المدنی المعروف بالصادق. أمه «ام فروه» بنت «القاسم

بن محمد بن ابی بکر ... متفق علی امامته و جلالته» [۵۷]. «جعفر بن محمد صادق فرزند علی بن حسین بن علی بن ابیطالب هاشمی مدنی معروف به «صادق» که مادرش «ام‌قروّه» دختر «قاسم بن محمد بن ابی بکر» بود. امامت و جلالتش مورد اتفاق همگان است.» [صفحه ۳۷۹]

خیرالدین الزرکلی

مؤلف «الأعلام» قاموس تراجم (معاصر) می نویسد: «جعفر الصادق أبو عبدالله جعفر بن محمد الباقر بن زین العابدین بن الحسین السبط الهاشمی القرشی، سادس الائمة الاثنی عشر عند الإمامی: . كان من أجل التابعین و له منزلة رفیعة فی العلم أخذ عنه جماعة منهم: أبوحنيفة؛ مالك و جابر بن حیان و لقب بالصادق لأنه لم يعرف عنه الكذب قط، له اخبار مع الخلفاء من بنی العباس و كان جرئاً علیهم صداعاً فی الحق و صنف تلميذه جابر بن حیان كتاباً فی ألف ورقةً يتضمن (رسائل الإمام جعفر الصادق) و هی خمس مائة رسالة مولده و وفاته بالمدينة» [۵۸]. «جعفر صادق ابو عبدالله فرزند محمد باقر فرزند زین العابدین فرزند حسین سبط رسول خدا صلی الله علیه و آله هاشمی و قرشی، ششمین امام از ائمه‌ی دوازده گانه نزد امامیه است. او از بزرگان تابعین بود و مقام بلندی در علم داشت جماعتی از او علم آموخته‌اند که از جمله‌ی آنها: ابوحنیفه، مالک، جابر بن حیان و ... ملقب به «صادق» است برای این که هرگز دروغی از او شنیده نشد. او را خلفای بنی عباس داستان هائی است و نسبت به آنها جری بود حق را آشکارا می گفت. شاگردش جابر بن حیان کتابی در هزار ورقه تألیف کرد که متضمن رسائل امام جعفر صادق بود و آنها پانصد رساله بودند، تولد و وفات او مدینه بود.»

سید مؤمن بن سید حسن مؤمن شبلنجی شافعی (متولد ۱۲۵۰ هـ)

«شبلنجی» به قریه‌ی شبلنج از دهات مصر منسوب و از اکابر علمای عامه در اوائل قرن چهاردهم هجری می باشد و کتاب «نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار» که مکرر در قاهره چاپ شده از آن اوست. [صفحه ۳۸۰] وی درباره‌ی امام صادق علیه السلام می گوید: «مناقب آن حضرت به قدری زیاد است که نمی شود آنها را به شمار آورد و در انواع مناقب او مردم باهوش و نویسندگان زبردست دچار حیرت شده‌اند و «کان جعفر الصادق مستجاب الدعوة إذا سأل الله شیئاً لا یتیم قوله الا و هو بین یدیه» [۵۹]. «او مستجاب الدعوه بود چنان که هر وقت از خدا چیزی می خواست، دعایش تمام نشده آنچه خواسته بود، در برابرش حاضر بود.»

محمد بن عبدالباقی زرقانی (متوفای ۱۱۲۲ هـ)

از محدثین مالکی و به «خاتمة المحدثین» موصوف است و کتاب «المواهب اللدنیة فی شرح المنح المحمدیة» که به «شرح المواهب» معروف است، از تألیفات او است. «زرقانی» در جمله‌ی کوتاهی می گوید: «جعفر بن محمد أبو عبدالله فقیه صدوق» [۶۰]. «ابو عبدالله جعفر بن محمد، فقیه و بسیار راستگو است.»

عبدالله شبراوی قاهری شافعی (متوفی ۱۱۷۲ هـ)

در سال ۱۱۳۷ که جامع «ازهر» به طور رسمی به عنوان پایگاه مهم و مرکز علمی مذهبی درآمد، با وجود اکابر علما شبراوی به ریاست آن مرکز برگزیده شد، کتاب «الاتحاف بحب الأشراف» از تألیفات اوست، او درباره‌ی امام [صفحه ۳۸۱] صادق علیه السلام می نویسد: «السادس من الائمة جعفر الصادق ذو المناقب الكثيرة و الفضائل الشهيرة روى عنه الحديث كثیرون مثل مالك بن انس و

أبو حنیفه و یحیی بن سعید و ابن جریح و الثوری. ولد رضی الله عنه بالمدينة المنورة سنة ثمانین من الهجرة و غرر فضائله عن جبهات الأيام كاملة و توفي رضی الله عنه سنة ۱۴۸ هـ [۶۱]. «جعفر صادق علیه السلام ششمین امام از ائمه دارای مناقب زیاد و فضائل مشهور می باشد از او بسیاری از محدثین بزرگ از جمله: مالک بن انس، ابوحنیفه، یحیی بن سعید و ابن جریح و ثوری. حدیث نقل کرده‌اند. در سال ۸۰ هجری در مدینه متولد شد و فضائل درخشانش بر پیشانی روزگار نقش بسته است. آن حضرت در سال ۱۴۸ فوت کرد» .

محمد بن محمد بن علی، شافعی جزری (متوفی ۸۳۳ هـ)

معروف به «ابن الجزری» عالم فاضل، محدث مورخ، متکلم، قاری متبحر از مشاهیر سده نهم. درباره امام صادق علیه السلام می نویسد: «جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب الهاشمی؛ أبو عبدالله الصادق المدني أحد الأعلام حدث عن أبيه و جده و ابی أمه القاسم بن محمد و عروة و عنه خلق لا يحصون فمنهم ابنا موسى و شعبه و السفیانان قال الشافعی و ابن معین و أبو حاتم ثقة مات سنة ۱۴۸ هـ [۶۲]. «جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب، هاشمی، ابو عبدالله، صادق مدنی، یکی از اعلام بوده و از پدرش و جدش و پدر مادرش قاسم بن محمد و عروه روایت کرده و از او جمعیت بی شماری از جمله دو پسر موسی و شعبه و دو سفیان روایت کرده‌اند. شافعی و ابن معین [صفحه ۳۸۲] و ابو حاتم گفته‌اند: جعفر بن محمد ثقه بوده و در سال ۱۴۸ فوت کرد» .

دکتر احمد امین مصری (معاصر)

مؤلف «ظهر الإسلام» می نویسد: «الإمام جعفر الصادق، فانه كان من أوسع الناس علما و اطلاعا، عاش من سنة ۸۳ إلى سنة ۱۴۸ هـ و قد لقب بالصادق لصدقه» [۶۳...]. «امام جعفر صادق وسعت علم و اطلاعه در میان مردم بی نظیر بود. از سال ۸۳ تا سال ۱۴۸ هـ زندگی کرد و به خاطر صدقش به «صادق» ملقب بود» .

السید محمد صادق

استاد دانشکده ادبیات در دانشگاه «قاهره» می گوید: «كان بيت جعفر الصادق كالجامة يزدان على الدوام بالعلماء الكبار في الحديث و التفسير و الحكمه و الكلام، فكان يحضر مجلس درسه في أغلب الأوقات ألفان و بعض الأحيان أربعة آلاف من العلماء المشهورين و قد ألف تلاميذه من جميع الأحاديث و الدروس التي كانوا يتلقونها في مجلسه مجموعة من الكتب تعد بمثابة دائرة معارف للمذهب الشيعي أو الجعفري» [۶۴]. «بيت جعفر صادق مثل دانشگاه دائما از بزرگان علما در رشته‌های مختلف علوم چون حدیث، تفسیر حکمت، کلام، پر بود و در مجلس درسش اغلب اوقات دو هزار نفر و گاهی چهار هزار نفر از علمای مشهور حاضر می شدند. شاگردانش تمام دروس و احادیث او را در مجموعه‌ای از کتب جمع آوری کرده‌اند که به مثابه‌ی دائرة المعارف برای مذهب شیعه یا مذهب [صفحه ۳۸۳] جعفری شمرده می شود» .

بطرس بن بولس البستانی مسیحی (متوفی ۱۸۸۳ یا ۱۸۸۷ میلادی)

مؤلف دائرة المعارف که تمامی علوم متنوع را به ترتیب حروف هجی مشتمل است مؤلف در حیات خود از حرف «ألف» تا کلمه‌ی «تأبط شرا» از حرف «ت» در شش مجلد بزرگ جمع کرد، پسرش «سلیم» نیز تهمه‌ی آن را تا کلمه‌ی «روستجق» از حرف «رای» بی نقطه نوشته و «امین بستانی» و پسر دیگرش «نجیب» نیز تا کلمه‌ی «عثمانیه» نوشته‌اند و تا حال ۱۱ جلد بزرگ بدین ترتیب از حرف

«الف» تا حرف «ع، ث» تألیف گردیده و در بیروت چاپ شده است. این دانشمند مسیحی درباره‌ی امام صادق علیه السلام نوشته است: «جعفر الصادق و هو ابن محمد الباقر بن علی زین العابدین کان من سادات أهل البيت و لقب بالصادق لصدقه، و فضله عظیم، له مقالات فی صناعات الکیمیا و الزجر و الفال و کان تلمیذ جابر بن حیان قد ألف کتابا یشتمل علی ألف ورقة تتضمن «رسائل الصادق» و هی خمساً مائة رسالة، الیه ینسب کتاب الجفر. و کان جعفر ادیباً تقیاً دیناً حکیماً فی سیرته» [۶۵]. «جعفر صادق پسر محمد باقر بن علی زین العابدین، از بزرگان اهل بیت است و به خاطر صدق و راستی اش، به «صادق» ملقب شده و از نظر فضیلت در بالاترین مراحل آن قرار داد و او را مقالاتی در علم کیمیا - شیمی - و زجر و فال است. شاگردش «جابر بن حیان» کتابی تألیف نموده در حدود هزار ورقه که متضمن رسائل آن حضرت است. که آنها مجموعاً پانصد رساله می باشد کتاب جفر نیز به او منسوب است. جعفر بن محمد در سیرت خود ادیبی پرهیزگار و دیندار حکیم بود». [صفحه ۳۸۴]

دکتر کامل مصطفی شیبی (معاصر)

دکتر در فلسفه از دانشگاه کمبریج انگلستان و استاد دانشگاه «بغداد» و مؤلف کتاب «الصلة بین التصوف و التشیع» درباره‌ی امام صادق علیه السلام می گوید: «از تحقیق در احوال امام جعفر صادق روشن می شود که مردم به دلیل علم فراوانش و به سبب روی آوردن بسیاری از دانش پژوهان به سوی او و داشتن نسب شریف علوی، همه علوم و معارف زمانش را به وی نسبت داده‌اند و این عجیب نیست زیرا چنان که از این پیش دیدیم تمام علوم اسلامی منتهی می شود به جدش علی بن ابیطالب علیه السلام از علومی که به وی نسبت داده شده است، گفتاری است درباره‌ی کیمیا و زجر و فال. همچنین کتاب جفری را که «ابن خلدون» از آن خبر داده است. [۶۶]. «دکتر شیبی» در پایان می گوید: «آنچه قابل ملاحظه است، آن است که امام جعفر صادق علیه السلام استاد نخستین کسی بوده است که به کار کیمیا شهرت یافته است [۶۷].»

پاورقی

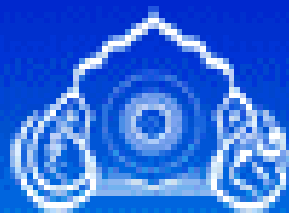
[۱] تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۰۴. [۲] المجالس السنیة، ج ۵ - التوسل و الوسيلة ابن تیمیه، ص ۵۲. [۳] تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۸۸، طبع و بیروت. [۴] صورتان متضادان، ص ۹۶، طبع هند. [۵] قاضی نعیم، شرح الاخبار دنباله‌ی ۴۲ الف م، س. ذهبی تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۶۶. [۶] مناقب ابی حنیفه، للموفق، ج ۱، ص ۱۷۳ - جامع اسانید ابی حنیفه، ج ۱، ص ۲۲۲ - تذکره الحفاظ ذهبی، ج ۱، ص ۱۵۷. [۷] التحفة الاثنی عشریه، ص ۸. [۸] جعفر بن محمد الامام الصادق علیه السلام ص ۱۱۰. [۹] اسد حیدر، الامام الصادق، ج ۱، ص ۵۴. [۱۰] وفيات الأعیان، ج ۳، ص ۲۸۰ - ۲۸۱ ش ۵۲۱ - تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۴۵۹ - صحیح الأعشى، ج ۳، ص ۳۹۹. [۱۱] جامع کرامات الأولیاء، ص ۵. [۱۲] تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۰۴ - منهاج السنه، ج ۱، ص ۱۲۴ - ابونعیم، حلیة الأولیاء، ج ۱، ص ۱۹۳. [۱۳] ابن خلکان، وفيات الأعیان، ج ۲، ص ۱۲۷ - ش ۲۴۲. [۱۴] العقد الفرید، ج ۳، ص ۲۲۱. [۱۵] تقریب التهذیب، ص ۶۸. [۱۶] المناقب، ج ۲، ص ۳۰۲. [۱۷] صفوة الصفوة، ج ۲، ص ۹۴. [۱۸] الصواعق المحرقة، ص ۱۲۰. [۱۹] حلیة الأولیاء، ج ۳، ص ۱۹۲. [۲۰] رسائل الجاحظ، سندوبی، ص ۱۰۶. [۲۱] مناهج التوسل، ص ۱۰۶. [۲۲] مطالب السؤل، ج ۱، ص ۵۵. [۲۳] ابن خلکان، وفيات الأعیان، ج ۱، ص ۲۹۱ - ش ۱۲۸. [۲۴] تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۸۹. [۲۵] جعفر بن محمد الامام الصادق، ص ۵۷. [۲۶] مرآة الجنان، ج ۱، ص ۳۰۴. [۲۷] ملل و نحل، ج ۱، ص ۲۷۲، ط ۲ - ترجمه ج ۱، ص ۲۱۸. [۲۸] الجمع بین رجال الصحیحین، ج ۱، ص ۷۰. [۲۹] عطار، تذکره الأولیاء، ج ۱، ص ۲۲ - ۲۱. [۳۰] مقدمه‌ی ابن خلدون، ص ۳۳۴. [۳۱] وسیلة الخادم الی المخدوم، در شرح صلوات چهارده معصوم از ۱۹۵ تا ۲۰۴. [۳۲] روضات الجنان، ج ۲، ص ۴۰۲ - ۳۹۸. [۳۳] اخبار الدول و آثار الاول. [۳۴] عمدة الطالب، به نقل اسد حیدر، الإمام الصادق، ج ۱، ص ۵۸. [۳۵] مختصر تاریخ العرب، تعریب: عقیف

البلعکی، ط ۲، بیروت، دارالعلم للملایین، ص ۱۹۳. [۳۶] تذکره الخواص، صص ۳۵۱. [۳۷] طبقات المشایخ الصوفیة. [۳۸] علی امام الأئمة، ص ۴۸. [۳۹] المستطرف، ج ۱، ص ۱۹۳. [۴۰] سبائك الذهب. [۴۱] شذرات الذهب، ج ۱، ص ۲۲۰. [۴۲] جريدة الأهرام المصریة، ص ۱۰، ۱۸ / ۸ / ۱۹۷۸. [۴۳] جامع کرامات الأولیاء ج ۲، ص ۴. [۴۴] جامع کرامات الأولیاء، ج ۲، ص ۵. [۴۵] جعفر بن محمد الإمام الصادق علیه السلام، ص ۶. [۴۶] جعفر بن محمد الإمام الصادق علیه السلام، ص ۲۷. [۴۷] همان مدرک، ص ۴۰. [۴۸] جعفر بن محمد الإمام الصادق، ص ۴۸. [۴۹] همان مدرک، ص ۴۹. [۵۰] طبع مصر، سال ۱۳۸۱ - چاپ الاتقافامه. [۵۱] الاتحافات الربانیة، ص ۱۴۱. [۵۲] الوحده الإسلامیة، محمد سعید آل ثابت، چاپ اول، ۱۳۸۱، مطبعة العزی الحدیثه فی مجله رأیه الإسلام، تصدر فی الریاض، شماری ۷، ص ۴۶. [۵۳] منهاج السنه، ج ۲، ص ۱۲۳، طبع مصر، ۱۳۲۱ ه ق. [۵۴] الضوء اللامع، ج ۱۰، ص ۳۰۵ - شذرات الذهب، ج ۷، ص ۳۱۷ - كشف الظنون، ج ۲، ص ۱۹۳۲. [۵۵] النجوم الزاهره، ج ۲، ص ۸. [۵۶] قاموس الأعلام، تألیف شمس‌الدین سامی، ج ۳، ص ۱۸۲۱، استانبول به زبان ترکی استانبولی. [۵۷] شرح الشفا، علی قاری، ج ۲، ص ۳۵. [۵۸] الأعلام، ج ۲، ص ۱۲۶. [۵۹] نور الأبصار، بنا به نقل اسد حیدر، الإمام الصادق، ج ۱، ص ۶۰. [۶۰] شرح المواهب، ج ۱، ص ۵۱. [۶۱] الاتحاف بحب الأشراف، ص ۵۴. [۶۲] الخلاصه، ص ۷۶. [۶۳] ظهر الإسلام، ج ۴، ص ۱۱۴. [۶۴] به نقل اسد حیدر، الإمام الصادق، ج ۱، ص ۶۲. [۶۵] دائرة المعارف، ج ۶، ص ۴۶۸. [۶۶] مقدمه‌ی ابن خلدون، ص ۳۳۴. [۶۷] شیخی، مصطفی کامل، همبستگی میان تصوف و تشیع، ص ۱۸۹ - ۹۰، ترجمه‌ی دکتر علی اکبر شهبانی.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید

نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... (د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر (ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و (و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) (ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... (ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... (ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

